

گفت و گو با ناصر زرافشان، مترجم کتاب «کودتا» پروانه آبراهامیان

کودتا با شما یا بدون شما

شاه نگران خود بود و از عواقب کودتا می‌ترسید، اما مأمور سیا به او می‌گوید: «تصمیم به انجام این کودتا گرفته شده است با شما یا بدون شما»

شرق: درباره کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بسیار نوشته‌اند و در این میان، کتاب «کودتا» بر همه این کتاب از جهت مستندات متنی بر اسناد و مدارک تازه‌ای است که در زمان یافتن تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۸۹ برخی از این اسناد را با عنوان «روابط خارجی و بلویحی بابت کودتای ۱۳۳۲ در رابطه خود با این کشور تنش‌زایی کند، افشا شد. صنعت نفت و عملکرد دکتر مصدق را زیر سؤال می‌برد. ناصر زرافشان معتقد است می‌شدن مورد نظر ایرانی‌ها به معنای از دست رفتن کنترل غرب بر این صنعت بود مجموعه رویدادهای یک دوره پرتلاطم تاریخ معاصر ایران، یعنی جنبش ملی‌کردن و بیروهای اجتماعی و سیاسی در آن مقطع تاریخ ما مکتب نیست. با ناصر زرافشان

آقای زرافشان انگیزه شما از ترجمه کتاب «کودتا» چه بود؟ آیا تشابه خط فکری شما با آقای آبراهامیان در این زمینه مؤثر بوده است؟

کتاب «کودتا»، بیان اعتقادات یا نظرات شخصی آبراهامیان نیست تا تشابه خط فکری من با مؤلف در انتخاب این کتاب برای ترجمه تأثیری داشته باشد. آبراهامیان کتاب تاریخ صاحب اعتبار است و کتاب هم یک بررسی تاریخی مستند است که یکی به خط فکری آبراهامیان ندارد. به عنوان مدارک و مستندات و مآخذ آن نگاه بنیبد تا متوجه این ویژگی کار او بشوید. اما در مورد انگیزه‌های من در ترجمه این کتاب: در این کتاب اولاً جنبه‌های تازه‌ای از کودتای ۲۸ مرداد مورد بررسی قرار گرفته است که در کارهایی که پیش از این کتاب در این زمینه منتشر شده به آن توجه نشده است و ثانیاً کتاب از جهت مستندات متکی بر اسناد و مدارک تازه‌ای است که در زمان بررسی‌های قبلی در باره این کودتا هنوز این اسناد علنی نشده بودند. مؤلف خود در این زمینه به شرح زیر توضیح می‌دهد:

«درباره کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بسیاری نوشته‌اند. درباره بحران نفتی ۳۲-۳۳ هم مطالب بسیاری نوشته شده است. پس، این پرسش ممکن است برای کسی مطرح شود که چرا این اصل با همه باید کتاب دیگری راجع به همین موضوعات نوشته شود؟ در کتاب حاضر این است که تصور عرفی و رایجی را که تحت تأثیر نوشته‌های قبلی در این باره شکل گرفته است در دو زمینه متفاوت به چالش بکشند. کتاب نخست این تصور عمومی و رایج را زیر سؤال می‌برد که انگلیسی‌ها با حسن نیت مذاکره می‌کرده‌اند و ایالات متحده به عنوان یک «میانجی درستکار» اقداماتی جدی برای پادرمیانی به عمل آورده است. اما مصدق به دلیل کله‌شقی هم منشأ آن - بنا به این ادعا - به «اختیار روان‌شناختی» شخصی او مربوط می‌شده، توانسته است با آنها به سازش برسد. حتی نویسندگانی هم که نسبت به مصدق همدلی دارند اعلام می‌کنند که اگر او فقط کمتر کله‌شقی می‌کرد، می‌توانست با آنها به یک سازش عادلانه و منصفانه برسد و باید این کار را می‌کرد. مثلاً ویلیام راجر لوئیس - به نوبت نویسنده برخی از کامل‌ترین آثار درباره انحطاط امپراتوری بریتانیا به‌طور اعم - بحران انگلیس و ایران به‌طور اخص می‌باشد، استدلال می‌کند که بریتانیا اصل ملی‌شدن را پذیرفته اما به‌همراه آمریکا متفقاً تصمیم گرفتند در به دلیل رفتار غیرمنطقی‌اش «سرگون کند»^۱.

کتاب حاضر به‌عکس ثابت می‌کند که چنین سازشی به این دلیل ساده قابل حصول نبود که در قلب این شک‌شکس، این سوال ر و راست و بی تعارف قرار داشت که صنعت نفت - اکتشاف، تولید، استخراج و صدور آن - تحت کنترل چه کسی باشد؟ آیا وزارت نفت این صنعت تحت کنترل ایران باشد، یا تحت کنترل شرکت نفت انگلیس و ایران یا احتمالاً تحت کنترل کنسرسیومی از شرکت‌های بزرگ نفتی که در آن زمان به هفت خواهران معروف بودند؟ برای ایران ملی‌شدن، به معنای کنترل دولت بر این صنعت بود، برای شرکت‌های نفتی هم ملی‌شدن بر معنای از دست رفتن کنترل غرب بر این صنعت بود، چه چیزی که در سال‌های اولیه دهه ۱۹۵۰ هنوز برای آنها غیرقابل قبول بود. ملی‌شدن ظاهری و کاذب - ملی‌شدن در شکل نه در ماهیت، بر حرف اما نه در عمل - اگرچه از طرف انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در همه‌جا به‌عنوان یک «سازش عادلانه» جازده شد، اما در واقعیت امر، این ادعا در بهترین حالت آن یک نقیض کوبی بی‌معنی و در بدترین حالت آن یک پوشش سازمان‌فریبانه برای پنهان کردن اهداف و واقعیت امور بود. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در انگلیسی‌ها و نه در آمریکایی‌ها به هیچ‌یک به هیچ طریق، حاضر به قبول ملی‌شدن واقعی نفت نبودند.

در مرحله بعد، کتاب این تصور عمومی و رایج را زیر سؤال می برد که کودتا را مستقیماً و یکباره در متن جنگ سرد - در متن تضاد بین شرق و غرب، این اتحاد شوروی و ایالات متحده، این بلوک کمونیست و اصطلاح «دنیای آزاد» - قرار می دهد. مارک گازیووسکی - نویسنده دقیق ترین آثار درباره کودتا - وقتی استدلال می کند که کودتا ارتباط چندانی با نفت نداشت، اما بسیار به ژئوپلیتیک، به ترس از نوکیسم و تهدید شوروی مربوط می شد، نظر بسیاری از کسانی را بیان می کند که این را بهانه می نویسند. گازیووسکی می نویسد: «در ابتدا ایالات متحده تصمیم گرفت خارج از این نزاع بماند. این کشور بریتانیا را تشویق کرد ملی شدن نفت را پذیرد. او کوشید برای حل فصل این منازعه، پادرمیانی کند و بریتانیا را از حمله به ایران منصرف سازد. ایالات متحده این موضع بی طرفی را تا پایان دولت ترومن در می نامد. ۱۳۳۱ حفظ کرد، چرخه در همین زمان هم بسیاری از مقامات رسمی ایالات متحده می کردند چرخه دوداری صریح از حل فصل منازعه نفت در ملی شدن نفت بی ثباتی سیاسی ایجاد می کند که ایران را در خطر سقوط به پشت پرده آهنین قرار می دهد».

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي حوزه ثبتي قائم شهر

نظر به دستور مواد ۲ و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوبه ۱۳۹۰/۹/۴، کمیته قضائیه که در هیات موضوع اعلام کرد قانون مذکور مستوفرد بر اساس قانون شهر مورد رسیدگی و تصرفات ملکاته با معارض آنان مرز و از نام مدار گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل گهی می گردد.

املاک قضائیه واقع در قریبه پوهت بست یک پلاک ۶۷ اصلی بخش ۱۶

ماده ۸۲۳ هجری بماب آقای نورعلی طایب منیمی نسبت به شدناکت یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۰۶/۴۴ متر مربع خریداری مع الواسطه از آقای سید محمود رضوی املاک رسمی. املاک رسمی. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت تبیین اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو ثبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی اکثیر انتشار در شهرها منتشر در روستاها علاوه بر انتشار آگاهی رای تمام اصحاب که در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در دستمایه از تاریخ الصادی محل تا ماه اعراض خود را به اداره ثبت وقوع ملک تسلیم و برای رد امر تقدیم نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبداً به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و کواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به اداره حکم قضایی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض کواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبداً به صدور سند ملکیت می نماید و صدور سند ملکیت مانع از مراجع متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهار نموده بیتی پذیرفته نشده، اداره ثبتی با هر هیات بساز و تنظیم اظهارنامه جای تحدید حدود، مرتد باشد. در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلع عمومی رسیده و نسبت به املاک در جریان ثبت فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ادوینی این تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م الف ۱۳۶۴۷۸۸

بیخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۵/۲۹

بیخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۱۲

یونس قصابی الکفیل۔ ادارہ ثبت اسناد و املاک قائم شہر

میان به دلیل ارجاعات بسیار به مدارک و مستندات تاریخی کودتا از اهمیت بسزایی قبلی درباره این کودتا هنوز این اسناد علنی نشده بودند. وزارت خارجه ایالات متحده «متحد» منتشر کرد. سند ویلبر نیز در سال ۲۰۰۰ یعنی در زمانی که به تعبیر ابراهام «علاوه بر خاطرات و تاریخ شفاهی معتبر کودتا به اسناد داخلی و خارجی نیز متکی بر سدی با انگلیس در مورد مسئله نفت نامکن بود؛ چراکه «برای ایران ملی شدن به نین می گوید این ادعا که در زمان تعطیلی مجلس، شاه می توانست نخست وزیر را انداخته به بحث درباره ماهیت و منش آن، با جداکردن این جزء از کل آن جنبش و بدو ای ۲۸ مرداد گفت وگویی کرده ایم که می خوانید.



A person wearing a purple sweater and a striped shirt is standing next to a desk. On the desk is a large stack of papers and a yellow jacket draped over a chair.

بعکس، این کتاب سعی می‌کند کودتا را به‌طور کامل و قطعی در چارچوب تضاد بین امپریالیسم و ناسیونالیسم، بین جهان اول و جهان سوم، بین شمال و جنوب، و بین اقتصادهای توسعه‌یافته صنعتی و کشورهای توسعه‌نیافته‌ای قرار دهد که به صادرات مواد خام خود وابسته‌اند. از آنجا که نزاع بر سر نفت بود، این کتاب توضیح می‌دهد که ایالات متحده در این بحران همان‌قدر سرمایه‌گذاری کرده بود که بریتانیا کرده بود. به این ترتیب آن‌قدرها که ترس ایالات متحده از بازتاب‌های ملی‌شدن نفت در جاهای دوری مانند اندونزی و آمریکای جنوبی، در شرکت‌کردن این کشور در حلی نبود، ترس آن از خطر کمونیسم در ایران، در این کار دخیل نبود. این تازه در دوره‌ای است که از بازتاب‌های ملی‌شدن در بقیه خلیج فارس هم سخنی به میان نیاوریم. «کنترل بر تولید نفت سرانجام در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۵۰ شمسی) از شرکت‌های غربی به دولت‌های محلی منتقل شد. اما چنین باختی برای غربی‌ها در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی (اوایل دهه ۳۰ شمسی) غیرقابل قبول تلقی می‌شد.»

من از آن‌رو این سه پاراگراف نسبتاً طولانی را از زبان خود مؤلف در اینجا نقل کردم که این پاراگراف‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های اساسی کتاب حاضر با نوشته‌های دیگری است که پیش از این در مورد کودتا

۲۸ مرداد منتشر شده‌اند.

برخی تاریخ نگاران می گویند در ۲۸ مرداد کودتا رخ نداده و این مصدق بوده است که کودتا کرده. در این باره چه می گویند؟

ادعای بچگانه و بسیار مضحکی است. با قبول این ادعا باید به این نتیجه رسید که همه اسناد و مدارک موجود در این زمینه از قبیل اسناد وزارت امور خارجه انگلیس و وزارت امور خارجه آمریکا و متن مکاتبات روزمره وزارت خارجه آمریکا که سالانه بین

عنوان «روابط خارجی ایالات متحده» منتشر می‌شوند و مطالب و مندرجات کتاب‌های تاریخ که دهه‌ها پیش در خود آمریکا منتشر شده است (مثلاً کتاب «از یالتا تا ویتنام» نوشته دیوید هورویتز) که یک کتاب تاریخ دانشگاهی است) و مطالب و مندرجات روزنامه‌های انگلیسی و آمریکایی نام‌ها، گزارش‌های مأموران اطلاعاتی، ام‌ای.سی‌سی. و سیا و کلیه خاطرات کرمیت روزولت و از همه مهم‌تر سند ویلبر... اسناد دیگر از همین قبیل همگی ساختگی است و آنها را از دهه‌ها پیش ساخته‌اند تا نظر این به قول شما تاریخ‌نگاران وطنی را بی‌اعتبار کنند که معتقدند در ۲۸ مرداد کودتای رخ نداده! حتی یوزش خواهی رسمی وزارت خارجه آمریکا (در دوران تصدی خاتم آلبرایت) بابت کودتا در ایران هم باها بوده است، زیرا اصلاً کودتایی در ایران صورت نگرفته و کرمیت روزولت لایب برای خوردن فالدوهرشیرای به ایران آمده بوده است! می‌گویند مصدق خود کودتا کرده، علیه کدام دولت؟ علیه خودش؟ کودتا، اقدام سیاسی یا نظامی علیه قدرت مستقر است، البته نه از سوی مردم بلکه به وسیله بخش دیگری از طبقه حاکم، در آن مقطع مصدق نخست‌وزیر و خود در قدرت است و آیا او علیه خود کودتا کرده است؟ یعنی مصدق خانه خود را به توپ بسته، خود و اعضای دولت خود را بازداشت کرده و موجی از سرکوب و اعدام علیه هواداران خود و کس‌انکه که برای ملی‌کردن نفت مبارزه کرده بودند به راه انداخته است، آیا برای

مدرک فارغ التحصیلی **اینتجاب آرش علی پور** فرزند عابدین به شماره شناسنامه ۰۰۱۳۴۸۷۸۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته شیمی تجزیه صادره از واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات با شماره ۱۷۹۵۱۳۳۰۵۰۱۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود ملای مدرک را در دبیرستان آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی تهران، انتهای بزرگراه ستاری، میدان دانشکاه علوم و نهادهای حصارک دانشکاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجناب مرصیه سیم صباچی** فرزند
ابوالقاسم به شماره شناسنامه ۱۰۸۸ صادره از قزوین در مقطع
کارشناسی رشته مهندسی صنایع- ایمنی صنعتی صادره از واحد
دانشگاهی کار قزوین مفقود گردیده است و فاقد اعتباری می باشد.
یابنده تقاضای می شود اصل مدرک را به دانشگاه کار واحد تهران به
نشانی خیابان شهید بهشتی خیابان خرمشهر پلاک ۲۰۲ ارسال نماید

است. ناصر زرافشان، مترجم این «کودتا» اشاره می‌کند
سه دهه از افشای اسناد مربوط به کودتای مرداد ظفره
ایالات متحده سعی می‌کرد در قالب نوعی عذرخواهی
عین حال که بر دداشت‌های مرسوم از کودتا و ملی شدن
دولت بر این صنعت بود. برای شرکت‌های نفتی هم
حرفی بی‌اساس است و کودتای ۲۸ مرداد را جزئی از
چگونگی شکل‌گیری آن جنبش و آگاهی از صفت‌بندی

A photograph of a room corner. On the left is a tall wooden dresser with three drawers, each with a silver handle. On top of the dresser is a framed picture of a person and a stack of papers. To the right is a small round table with a lamp, a rotary phone, and a calculator. A person's arm is visible on the far right.

لجبازی با واقعیت باید زبان را هم تحریف و واژه‌ها را هم از معنا تهی کرد؟
 ♦ تاریخ‌نگارانی که از آنها نام بردید می‌گویند در زمان تعطیلی مجلس، شاه می‌توانست نخست‌وزیر را عزل کند. نظر شما چیست؟

اولا این ادعا که در زمان تعطیلی مجلس، شاه می‌توانست نخست‌وزیر را عزل کند، حرفی بی‌اساس است. قانون اساسی رژیم گذشته شیوری ما است. این ادعا را از کودتا آورده‌اند؛ ثانی چگونه می‌توان یک رستاخیز بزرگ ملی مانند جنبش ملی‌کردن نفت و مساند آن را صرفا به یک بحث احقاق حقوقی تقلیل داد؟

کودتای ۲۸ مرداد در ایران جزئی از مجموعه رویدادهای یک دوره پرتلاطم تاریخ معاصر ایران، یعنی جنبش ملی‌کردن نفت است و بحث درباره آن کودتا و درنگ‌های آن، به جاکردن آن کل آن جنبش و به حد اطلاع از آن کودتا و شکل‌گیری آن جنبش و آگاهی از مضبندی نیروهای اجتماعی و سیاسی در آن مقطع تاریخ ما ممکن نیست. کودتا واکنش بریتانیا و آمریکا در برابر این جنبش است و بدون شناخت این جنبش که آن واکنش را برانگیخت، شناخت ماهیت این کودتا هم ممکن نیست. من می‌خواهم از آن هم فراتر بروم و بگویم جنبش ملی‌کردن نفت در ایران هم خود بخشی از یک سلسله جنبش‌های مشابه

این و شاید نخستین این جنبش‌ها در کشورهای آسیای

آفریقا و آمریکای لاتین برای به دست گرفتن کنترل منابع طبیعی و ثروت‌های ملی خویش بود که در جریان جنبش‌های جهانی‌بخش ملی این کشورها در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در این کشورها پا گرفت. در خصوص نفت، این جریان‌ها است که در دهه‌های بعد یادآور به تشکیل اوپک منجر شد. اما برای تهیه کردن رویدادهای مذکور و معنای واقعی آنها، سر و دم آنها می‌آید. موضوع را به گوشه

کوچکی از یک کل بزرگ محدود می‌سازند و همان رویداد را هم که ذاتاً و صد در صد سیاسی است به یک بحث حقوقی بی‌معنی تقلیل می‌دهند تا بتوانند با این ترفندها تفسیر مضحک خود را مطرح کنند.

به همین دلیل هم یکی از دغدغه‌های بزرگ بریتانیا و ایالات متحده در جریان مذاکراتی که پیرامون مسئله نفت ایران این است صورت می‌گیرد و رد آن نگرانی را در اسناد و مدارک مختلف مربوط به این مذاکرات می‌بینیم. نگرانی از بازتاب تأثیر ملی شدن نفت ایران در سایر کشورهای خاورمیانه و دوتر است. برای اینکه نمونه‌ای از این بازتاب و تأثیر را ملاحظه کنید به عنوان مثال نگاه کنید به کتاب «فلسفه انقلاب مصر» نوشته جمال عبدالناصر، رئیس جمهوری مصر که در آن خود را «فلاح بدستستان مصدق» می‌نامد. ثالثاً به گواهی اسناد موجود، در جریان این کودتای شاه کارهای انجام داده است که بتوان از تقابل او با مصدق و اینکه شاه علیه مصدق کرده با مصدق علیه شاه سخن گفت. کودتا را بریتانیا و ایالات متحده علیه مصدق سازمان‌دهی و اجرا کردند. شاه در ابتدا با کودتا موافق نبوده زیرا با توجه به تجربه قبلی سازمان آیر او این بیم نامحتملی است که این بار اساس سلطنت بر باد رود و از این امر و اوضاع ارسال آن نیز دو نامه داشته است اما داشته است. وزرورت وقتی از تردید شاه اطلاع یافت می‌پاید شبانه به دیدار او می‌رود و وقتی شاه دلیل تردید خود را بیان می‌کند، مأمور

برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت وگو
رنگ مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران
۱۳۱_۷۷۳۶۲ و شماره موتور AG4AG1021006 و
شماره تنه N2G***110W9512497 به نام **یزدان**
لادی فرد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند مالکیت راهور خودرو نو ساندرو استپوی
رنگ قرمز مدل ۱۳۹۶ با شماره پلاک ایران
۲۰-۵۴۵ ی ۵۲ و شماره شاسی
NAPBSRBYNH1067119 به نام **ساناز**
مقی زاده مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سیا به او می‌گوید: «تصمیم به انجام این کودتا گرفته شده است یا شما یا بدون شما». شاه آن دو نام را امضا می‌کند و به کلاردشت می‌رود تا در صورت عدم موفقیت کودتا بتواند از ایران خارج شود که پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد به همین شکل هم عمل کرده و به رم می‌رود. رقتن شاه به کلاردشت هم به همین دلیل صورت می‌گیرد که تصمیم کودتا، تصمیم ضمیمه‌اش، او نبوده است و او پس از امضای نامه‌ها هم به موفقیت کودتا مطمئن نداشته‌است. زیرا اگر این تصمیمی بود که خود او شخصاً گرفته بود برای اجرای آن نیز خود در ایران می‌ماند.

به این ترتیب هم تصمیم به انجام کودتا در ایران را انگلیس و آمریکا از پیش گرفته بودند و هم سازمان‌دهی و اجرای آن به وسیله خود آنان و ماموران آنها صورت گرفته است. مخصوصاً بریتانیا به دلیل سابقه دیرینه حضورش در منطقه و ایران امکانات و شبکه‌های را در کشور داشته که بدون واسطه با آنها در ارتباط بوده و کار می‌کرده است.

آبراهامیان در این زمینه می‌نویسد «انگلیس با پنج قلم آورده عمده خود» همراه آمریکا برای کودکان به میدان آمد و امکانات پنج‌گانه بریتانیا را در ایران به شرح زیر توضیح می‌دهد:

«آنها» در مرتبه نخست کارشناس خبری‌ای داشتند که چون در ایران کار کرده بودند تجربه بسیار داشتند، زبان این کشور را خوب می‌دانستند و یوندهای شخصی نزدیک‌یک زنخبگان داشتند، از راه (فامیل) به وجود آورده بودند. این مجموعه کارشناسان خبری را تفلیس پایمان... که از اواخر دهه ۱۳۱۰ در وزارت خارجه انگلیس همواره مسئول میز ایران بوده بود، نورمن داری شاپر، افسر ام‌آی، یکی‌س که در طول یختر اعظم جنگ جهانی دوم در ایران مستقر بوده بود، سرهنگ جنوفری ویلر، افسر دیگری ام‌آی، یکی‌س که از ۱۲۹۹ به بعد مکرراً و پرتابگاه که در ایران و که خارج از ایران در مدت روایی زاهری، وابسته مطبوعاتی انگلیس که کارشناس عرفان بوده بود، سید فالد، وزیر امور مذاهب و اخلاق شرقی در آکسفورد می‌شود... سم فالد دستیار زاهری که عمدتاً مسئول امور سیاست‌مداران جوان تر بود، و خان ام لمبتون، وابسته مطبوعاتی پیشین سفارت انگلستان در تهران... تشکیل می‌دادند.

در مرحله دوم، آنکسیسها به بطن نیروهای مسلح ایران که شبکه غیررسمی داشتند، این شبکه که همان زمان جبهه دوشم از افسران محافظه‌کاری تشکیل شده بود، به بیشتر آنان به خانواده‌های اعیان تعلیم داد و عبارت بودند از سرلشکر حسن ارفع، رئیس سابق ستاد ارتش که رقبش رزم‌آرا، ژرآب و از زده بود و در دوره بازتسلطی خود را در املاکش در ورامین می‌گذراند، سرهنگ تیمور بختیار پسرعموی ملکه ثریا، سرهنگ هدایت گلاش‌نژاد خیران، تیمور پیش‌درده آنکسیس و جودان شاه، سرهنگ حسینقلی اسفندی فرمانده تیپ داگان تهران، و مهم‌تر از همه سرهنگ خان‌سوی که سالیان متمادی رئیس رکن ۳ ستاد ارتش - سازمان اطلاعاتی نیروهای مسلح - بود (که حسین فردوست، عضو محفل خصوصی شاه به او را «مفکر متفکر واقعی» جناح ایرانی کودتا که در پشت این رویداد قرار داشت توصیف می‌کند). آ.م.آی، سیکس به کمک این شبکه به بانک اطلاعاتی درخرو توجه از نظامیان را جاری اطلاعاتی راجع به بسیاری از افسران معروف ارتش در اختیار داشت که سیا به‌شدت به این نیازمند اما فاقد آن بود - به گفته دونالد ویلر، بخش بزرگی از تدارکات کودتا در لندن شامل بررسی این پرنوده‌ها شخصی بود...

سوم، ام.آی.سیکس از مدت‌ها قبل یک شبکه غیر نظامی بومی و ثابت در ایران داشت که سه برادر ظاهراً تاجر به نام‌های اسدالله، سیدالله و قدرت‌الله درگیرند. آن را اداره می‌کردند... اینها در ظاهر با انگلیس یک رابطه تجاری داشتند و در اردیبهشت فیلم‌ها را انگلیسی به آنها داشتند و از این پوشش به صورت تائیدی برای منتقل کردن پول‌ها ام.آی.سیکس به هواداران بومی انگلیس از جمله سیدضیاء و حزب اراده ملی او استفاده می‌کردند... وود هاوس تخمین می‌زند که رشیدیان هر ماهه بیش از ۱۰ هزار پوند بیه برخی روحانیون، زواریانگاران و سیاستمدارانی که نام آنها فاش نمی‌شد - به‌ویژه نمایندگان مجلس - بخش می‌کردند... مشأ قدرتی اصلی عمده رشیدیان‌ها در بازار تهران بین اصفاف قصاب، کازو و شیرینی‌فروشی‌ها، می‌دانی کوهی و در کار گذراندن فروشی تربار قرار دارد... یک کشتی‌گیران و زورخانه‌های محلی و بین وعاظ سطح پایین بود. در یک تحلیل طولانی راجع به فزادان اسلام که مدت کوتاهی پس از آنکه این گروه سعی کردند قاضی را ترور کنند، نوشته شد: است، روبین را هنر به بیان مرمری می‌نویسد هیچ دلیلی وجود ندارد که انگلستان در فزادان اسلام توانانه همکاری با یکدیگر علیه جبهه ملی را «ادامه دهند»... ارتباط رشیدیان با زورخانه‌ها از طریق دو لوطی معروف برقرار بود: شعبان بی‌مخ و طیبی حاج‌رضایی...

چهارم، سفارت انگلیس جلسات منظمی با مجموعه بزرگی از سیاستمداران، بانفوذ داشت که عبارت بودند از ارست پرون، دوست دوران کودکی شاه در سوئیس، امک هومن نایب‌رئیس تشرفیات در مجلس، شاهپور ریویژه...، شیخ هادی طاهری و هاشمی ملک مدنی نمایندگان کهنه‌نوا دربار، و البته به‌صورتی که در جلسات نظری و هاشمی سفارت درباره ملاقات‌های هفتگی خود با شاه به آنها گزارش می‌داد. او علاوه بر این درباره دیدارهای هر چند یک بار خود با آیت‌الله کاشانی هم به آنها گزارش می‌داد... و سرانجام انگلیسی‌ها با سرلشکر فضل‌الله زاهدی از همان مهرماه ۱۳۳۱ تماس برقرار کرده بودند... او خود را به‌عنوان رهبر ایده‌آل کودتا به آنها عرضه کرده و لاف زده بود که در نیروهای مسلح هواداران گسترده‌ای دارد... در کانون افسران بازنشسته هم به‌ویژه در میان آن ۱۳۵ نفری که روزگار و مصیقت آنها را تصفیه کرده بودند حمایت‌هایی از زاهدی وجود داشت...

آمریکایی‌ها هم به نوبه خود سفارتشان در تهران و روابط آن را با محافل محلی اصل چهار ترومن و عوامل آن و سه هیئت مستشاری نظامی و تعداد زیادی عوامل اطلاعاتی داشتند.

به تریبی که گفته شد بریتانیا و ایالات متحده، مستقیماً و به کمک عوامل و ایدی خود کودتایی را که از یک سال پیش در مورد آن تصمیم‌گیری و طرح آن ریخته شده بود، به اجرا درآوردند و از این‌رو این بحث که شاه علیه مصدق یا به‌عکس مصدق علیه شاه کودتا کرده موضوعاً و ماهیتاً منتفی است. کودتا را انگلیس و آمریکا مستقیماً و با همراهی ایدی و عوامل ایرانی خود طراحی و اجرا کرده‌اند.

William Roger Louis, "Britain and the Overthrow of the Mosaddeq Government"

به نقل از صفحه ۲۱ کتاب.

2. Mark Casiorowski, "The Truth About the 1953 Coup" *Le Monde Diplomatique*, October 2000, Mark Casiorowski, "The 1953 Coup d'État Against Mosaddeq" in Mohammad Mosaddeq and the 1953 Coup in Iran, 229,...

به نقل از صفحه ۲۲ کتاب.

به اطلاع میرساند اینجانب **مصطفی بنی هاشمی** مالک ۱۰۰۰ مترمربع سهم مشاع از ۵۹۸۰ مترمربع از پلاک ثبتی ۱۵۲ اصلی و ۱۳۵ فرعی واقع در نصیر شهر از توابع شهرستان رباط کریم، موضوع سند مالکیت شماره ۲۷/۳۲۳۶ صادره در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ متقاضی تأمین بستر و حریم رودخانه در داخل و مجاورت پلاک ثبتی فوق الذکر میباشم. از آنجاییکه هیچ گونه دسترسی به مالکین مشاعی ندارم تقاضای نشر آگهی در دوتوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالتنشر محلی نشر و به اطلاع مالکین رسانده شود.

کارت شناسایی، کارت بازرسی، کارت ملی
و گواهینامه اینجانب **جواد محمدپور همدانی**
با شماره ملی ۰۵۷۹۷۰۶۹۰۷ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.